فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc501962692)

[اعتماد به قول مخبر و خبیر 2](#_Toc501962693)

[خبر عن حسٍ و عن حدسٍ 2](#_Toc501962694)

[افتراق خبر مخبر و خبر کارشناس 3](#_Toc501962695)

[مشابهت میان خبر مخبر و خبر خبیر 3](#_Toc501962696)

[معانی خبر 3](#_Toc501962697)

[علت تمایز خبر و نظر 4](#_Toc501962698)

[جریان اصل عدم خطا در خبر حسی و حدسی 6](#_Toc501962699)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید / مسأله تقلید (ملاک تشخیص مجتهد و اعلم)

# اشاره

در باب قول خبیر و کارشناس به استناد سیره، مباحثی بیان شد و با بحث خبر نیز مقایسه شد، به‌بیان‌دیگر این مبحث را ادامه می‌دهیم، به این دلیل که اهمیت بحث بالا است، همچنین در اصول به صورت روشن و مستقل موردبحث قرار نگرفته است، در قواعد فقهیه فی‌الجمله این بحث بیان شده است، برای وضوح بیشتر بحث، با بیان دیگر مباحث را مطرح می‌کنیم، در حقیقت سؤالی که مطرح است، این است که از منظر عقلا و سیره عقلائیه بحث حجیت خبر با حجیت قول خبیر و کارشناس چه نسبتی دارند و تفاوت و تمایز و اشتراک این‌ها در چیست؟

# اعتماد به قول مخبر و خبیر

واقعیتی که در خارج با او مواجه هستیم، این است که ازیک‌طرف عقلا بر قول مخبر ثقه و امین تکیه می‌کنند و بر آن اعتماد می‌کنند، از طرف دیگر به قول خبیر و کارشناس و متخصص در یک امر یا مسئله‌ای اعتماد می‌کنند، قول مخبر با قول خبیر از نظر جایگاه چه نسبتی با یکدیگر دارند؟

# خبر عن حسٍ و عن حدسٍ

آنچه می‌شود گفت در مقایسه سخنی که مخبری به انسان عن حسٍ می‌دهد و سخنی خبیر عن حدسٍ می‌گوید و رأیی که می‌دهد، این است که هر دو از یک جهت باهم مشابهت دارند و از یک جهت باهم افتراق دارند، مشابهت و اشتراک قول مخبر و خبیر در این است که هر دو حاکی از واقع هستند و ساختارشان اخبار از واقع است، همه جمله‌های از نظر منطقی، جمله‌ها و گزاره‌های اخباری حاکی از واقع هستند، وقتی شخصی روایتی نقل می‌کند، خبر است، وقتی اتفاقی را گزارش می‌دهد، یک جمله خبریه است که قرار است از واقع حکایت بکند، همچنین وقتی کارشناس رأیی می‌دهد و مطلبی را گزارش می‌دهد، این جمله خبری است، حکایت از یک واقع می‌کند.

بنابراین گزاره‌های خبری که عن حسٍ است و در خبر از آن بحث می‌کنیم و گزاره‌هایی که متخصص بعد از اعمال رأی و نظر، اظهار می‌کند، هر دو حاکی از یک واقعیت هستند، هیچ‌کدام از آن‌ها انشاء نیست.

همان‌طور که شأن یک جمله خبریه در برابر جمله‌های انشائیه حکایت از واقع است.

# افتراق خبر مخبر و خبر کارشناس

افتراق خبر مخبر و کارشناس در این است که نوع حکایت این دو از واقع، متفاوت است، نوع حکایت این دو ناشی از تفاوت آن محکی‌ها و واقع است، آن واقع و محکی که از آن حکایت می‌کنند، متفاوت است، تفاوتش این است که وقایع و حوادث خارجیه یک طیفی از لحاظ وضوح و غموض دارند، بعضی از وقایع آشکار است و وضوح دارد، برای همه راحت‌تر در دسترس است، بعضی‌اوقات وقایع از وضوح فاصله می‌گیرند و به غموض و ابهامی می‌رسند، به دلیل این غموض و خفا، در دسترس همه به‌راحتی نیست، برای شناخت آن غموض، مهارت و تخصص می‌خواهد، به طور مثال یک فلز وجود دارد، سه خبر از این فلز می‌شود حکایت کرد، خبر اول اینکه کسی بگوید این یک فلز است، کسی دیگر می‌گوید این فلز؛ طلا است، کسی دیگر می‌گوید که این فلز؛ طلای بیست‌وچهار عیار است.

خبر اول وضوح دارد، خبر سوم یک غموضی دارد که وضوح ندارد و نیاز به کارشناسی دارد، خبر دوم امکان دارد که گفته شود طلا بودن را همه‌کس می‌فهمند و امکان دارد که گفته شود، یک غموضی دارد و همه آن را درک نمی‌کنند.

# مشابهت میان خبر مخبر و خبر خبیر

بنابراین میان مخبر و خبیر و گزاره‌هایی که بیان می‌کنند، مشابهتی وجود دارد و آن این است که همه این‌ها جمله‌های خبریه هستند و وقایع را گزارش می‌دهند، تفاوتشان در این است که بعضی از خبرهای واضحه خبر می‌دهد و بعضی از واقعیت‌ها و محکی‌هایی گزارش می‌دهند که غموضی در آن‌ها هست.

واقعیت‌ها و محکی‌های خارجی، در یک‌رشته مقول به تشکیک از لحاظ وضوح و غموض قرارگرفته‌اند، بعضی وضوح بالایی دارد، خبر است، بعضی غموض دارد که برای گزارش از آن نیاز به کارشناس است، در اینجا حس نیست و حدس است و نیاز به متخصص دارد.

# معانی خبر

کلمه خبر دو معنا دارد، یک معنای عام دارد، یعنی آنی که از واقع حکایت می‌کند، یعنی جمله خبریه، به این معنا هر دو این گزاره‌ها خبری هستند، طبق آنچه در منطق بیان شده، به همین دلیل تقسیم به خبر حسی و حدسی می‌شوند، گاهی هم خبر را مقابل نظر قرار می‌دهند، در اصطلاح دوم خبر یعنی گزاره‌هایی که از یک واقعیت‌های روشن و آشکاری حکایت می‌کند، در مقابل گزاره‌هایی که از یک واقعیت پیچیده و غامضی حکایت می‌کند که به این گزاره‌ها رأی و نظر و حدس گفته می‌شود.

در قول لغوی این دعوا وجود دارد که آیا قول لغوی خبر از یک حس می‌دهد، یا اینکه یک نوع حدس و اعمال‌نظر می‌کند، یا قول عالم رجالی به چه صورت است، علمایی متأخری که در رجال کار می‌کنند، حتماً از نوع دوم و اجتهادی است، کسانی که متصل به روات اصلی بودند و احوال آن‌ها را نقل می‌کنند، از نوع حسی است، اما در دوره نجاشی و شیخ، آراء متفاوت است، بعضی می‌گویند این حرف‌ها از نوع دوم و عن حسٍ است که می‌گویند به طور مثال این فرد ثقه یا ضعیف است، بعضی دیگر می‌گویند که یک نوع کارشناسی بوده و عن حدسٍ بوده است.

اگر در مورد زراره کسی از معاصرین او نقل بکند و بگوید ثقه یا ضعیف بود، این خبر حسی است، اگر مرحوم آیت‌الله مرحوم آقای خویی بفرمایند که این فرد یا مطلب به این صورت است، اجتهادی است و عن حدسٍ است.

درجه وضوح و غموض متفاوت است، برای اینکه مقول به تشکیک است، تا جایی که عرف تشخیص بدهد و در دسترس همه باشد، خبر است، اما فراتر از آن باشد، رأی و نظر و اجتهاد است که نیاز به کارشناس دارد.

# علت تمایز خبر و نظر

تحلیل ما این است که خبر و نظر وجه اشتراک و افتراق دارند، تمایز هم به درجات وضوح و غموض وقایع و حوادث برمی‌گردد، هر جا که واضح باشد، خبر عن حسٍ است و در مباحث حجیت خبر واحد می‌آید، هر جا غموضی داشته باشد، در بحث قول کارشناس و متخصص می‌آید.

نکته اول در تحلیل این بود که درجه تفاوت، در غموض و وضوح است، نکته دیگر این است که وضوح و غموض مقول به تشکیک است، ممکن است در میان طیف، قضیه دچار ابهام بشود، نکته دیگر این است که اینکه بیان می‌شود خبر به معنای خاص، چیزی است که در دسترس است و علی‌الاصول وضوح دارد و غموض ندارد، علی‌الاصول این‌طور است، یعنی همیشه این‌طور نیست، علی‌الاصول این است که وقتی خبری نقل می‌شود، وضوح دارد و همه می‌توانستند از آن مطلع بشوند، اما بعضی از اخبار تاریخ در حال حاضر شاید برای ما وضوح نداشته باشد، اما در آن زمان و شرایط در دسترس بوده است و نیاز به تخصص نداشته است، اما خلاف قسم دوم که در هر وضعیتی قرار بگیرد، نیاز به رأی و نظر عن حدسٍ دارد.

راوی که در عصر معصوم خبر را نقل می‌کند، معنایش این است که اگر کسی در آن شرایط آن مطلب را از امام می‌شنید، درک می‌کرد و نیازی به رأی و اعمال‌نظر نبود.

اما وقتی کسی به شکل اجتهادی فتوا می‌دهد، به این صورت که می‌گوید نظر من این است که مقصود از سخن امام این مطلب است، درواقع سخنان را بررسی کرده و کارشناسی کرده و به نتیجه‌ای رسیده است.

آنجا که از وضوح و خبر حسی عبور می‌شود و خبر به درجه‌ای از غموض و خفا می‌رسد، این غموض و خفا مقول به تشکیک است، امور خفیه؛ طبعاً درجات دارد.

آموزش‌های مهارتی و کاربردی است، آسان‌تر و راحت‌تر است، یا آموزش‌های تخصصی دانشی که پیچیدگی‌های بیشتری دارد.

از منظر سیره عقلا این‌ها مورد اعتماد قرار می‌گیرند، اعتماد عقلا در این خبر و نظر، چه مبانی دارد؟ مقام اول که تا اینجا بیان شد، تحلیل خبر و نظر بود، مقام دوم این است که از منظر سیره عقلا و اعتبار و حجیت، خبر و نظر چه تفاوتی با یکدیگر دارند، هر دو این‌ها از این حیث که جمله خبریه هستند و کاشف از واقع هستند، کاشفی‌ات دارند، اما کاشفی‌ات از واقع خبر و نظر متفاوت هستند و آن این است که عرف کاشفی‌ات در خبر که از امور واضحه است، قوی‌تر است، برای اینکه واسطه‌اش کمتر است، به طور مستقیم آن مطلب را درک می‌کنند، اما در نظر و رأی کاشفی‌ات وجود دارد، اما این کاشفی‌ات، مثل اولی قوی نیست، برای کسی که کارشناس نیست، آن قوت را ندارد، برای اینکه محکی‌اش غامض است و رأی و نظر برای تحلیل آن مدخلیت داشته است، طبعاً رأی و نظر مثل حس در معرض خطا هستند، اما عرف عقلا، کاشفی‌ات از حس را قوی‌تر می‌دانند، به همین دلیل است که علی‌رغم اینکه هر دو وجهی از کاشفی‌ات دارند، اما عقلا در خبر حسی می‌گویند که اصل عدم خطا است، راحت اصل عدم خطا را پیاده می‌کند.

در حسی و حدسی، وقتی مخاطب بخواهد اعتماد بکند، باید امین و راست‌گو بودن متکلم احراز بشود، اما بعد از این مطلب، باید گفته شود که ضریب خطایش هم پایین است، برای این مطلب هم باید اصل عدم خطا جاری بشود.

مطلب در جایی که وثوق هست، اینکه مثلاً خبر متواتر است، مشکلی نیست، اما این در جایی است که وثوق آن‌چنانی ندارد و می‌خواهد به خبر اعتماد بکند، در هر دو باید وثوق مخبری بکند.

# جریان اصل عدم خطا در خبر حسی و حدسی

اصل عدم خطا در خبر حسی به‌راحتی جاری می‌شود، اما در خبر حدسی این‌طور نیست، علی‌رغم اینکه کارشناس است، اما با توجه به اینکه آن خبر نیاز به کارشناسی‌های دقیق دارد، لذا اصل عدم خطا را نمی‌شود به‌راحتی جاری کرد.

در خبر حسی و حدسی کاشفی‌ات است، در اولی کاشفی‌ات تامه است، به این علت است که اصل عدم خطا در آنجا جاری می‌شود، اما کاشفی‌ات در حدسی، به تمامیت اولی نیست، به این علت که اصل عدم خطا به‌سادگی جاری نمی‌شود.

در اولی چیزی که کمک می‌کند که کاشفی‌ات تام بشود، اصل عدم خطا است، در خبر حدسی چیزی که کمک می‌کند که این کاشفی‌ات تام بشود، به خاطر انتظام جامعه و ضرورت زندگی است، برای نظام عادی اجتماعی، انسان‌ها باید به متخصص اعتماد بکنند.